

یکی از آن روایات این بود:

استاد

برای تصحیح این سند دو راه وجود دارد:

راه اول

در سند این حدیث شخصی به نام احمد بن الحسن المیثمی وجود دارد که نجاشی - رحمه الله - درباره او آورده است:

« كان واقفاً و هو على كل حال ثقة صحيح الحديث معتمد عليه »

مرحوم شیخ طوسی - رحمه الله - درباره وی گفته است:

« ثقة صحيح الحديث سليم »

با توجه به این که خود اینها از ائمه - علیهم السلام - حدیث بلا واسطه ندارند یا تعداد

این‌گونه احادیث اندک است، ظاهر صحیح الحدیث این است که روایاتی را که نقل کرده‌اند با رجالی که در سند این روایت آمده است صحیح است و نجاشی و شیخ - رحمهما الله - شهادت داده‌اند که این حدیث صحیح است. باید توجه داشت که تعبیر به صحیح الحدیث با ثقه بودن رجال حدیث نقل شده از این افراد ملازمه ندارد. پس ممکن است حدیثی با احتیاط به قرائتی صحیح باشد؛ ولی رجال سند آن ضعیف باشند. مثلاً در عصر ائمه - علیهم السلام - گاهی روایت و یا کتاب حدیثی به امام - علیه السلام - عرضه می‌شده و کلاً یا اکثراً مورد تأیید قرار می‌گرفته است و این امور برای قدما فراهم بوده است که در اثر گذشت زمان و از بین رفتن بسیاری از این قرائن و شواهد، امکان دسترسی به بسیاری از این قرائن برای وجود ندارد [2]. در حالی که نجاشی و شیخ طوسی و شیخ مفید و صدوقین و دیگر علمای گذشته - رحمهم الله - به بسیاری از این قرائن دسترسی داشته‌اند. پس این بیان آنها شهادت آنها [3] بر صحت این احادیث است و دلیلی برای ردّ این شهادت نداریم. [4]

راه دوم

طبق مبنای ما همه احادیث کافی هرچند دارای سند تمامی نباشد، حجت است به بیانی که در راه اول گفته شد. چون مرحوم کلینی - رحمه الله - در مقدمه کافی به صدور احادیث این کتاب از معصومین - علیهم السلام - شهادت داده است و اشکالاتی هم به این بیان شده است که جواب دادیم. مثلاً گفته شده حدیث در این شهادت به معنای سخن گفتن و صحیح الحدیث به معنی راستگوست که جواب دادیم با توجه به این‌که قبل از این کلام گفته است «ثقة» نیازی به این عبارت با این معنا نیست؛ چون ثقه بودن دلالت بر راستگویی دارد.

پس جواب شهید صدر را به طور مبنایی می‌دهیم که این حدیث صحیح است و دلالتش را هم که قبول دارید.

خبر دیگری که دلالتش را شهید صدر قبول دارد؛ ولی ضعیف می‌داند عبارتست از:

« وَ عَنْهُمْ عَنْ سَهْلٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْخَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - عَنِ التَّبَيُّذِ أَحْمَرٌ هُوَ؟ فَقَالَ مَا رَأَى عَلَى التَّرَكِيِّ جَوْدَةً فَهُوَ حَمْرٌ. » [5]

ضمیر «هم» در عبارت «عنهم» به «عدة من اصحابنا» برمی‌گردد. این‌که این عده چه کسانی هستند هم خود مرحوم کلینی آنها را معرفی کرده است و هم در بعضی از فوائد کتب رجالی ذکر شده است که اولاً در بین این عده افراد ثقه وجود دارند و دوم اینکه اتفاق این عده بر جعل و وضع ممتنع است.

در معنای این کلام اختلاف شده است:

1- «ما» در آن موصوله است. یعنی هر مسکری که با ترک آن بر خوبی و مرغوبیتش افزوده می‌شود. مثل سرکه 7 ساله که با ترک شدن، کیفیتش بهتر می‌شود و درباره عقیق هم این کلام گفته شده است. [6]

2- «ما» نافیه است. یعنی وجه تمایز خمر و نبیذ در این است که خمر به سبب ترک کردن، بر مرغوبیتش اضافه نمی‌شود؛ ولی نبیذ با ترک کردن مرغوبتر می‌شود و اگر نبیذی

با ترک کردن مرغوبتر نشد، خمر است.

بنا بر هردو معنا « علی » به معنای سببیت است؛ مثل آیه (ولتکبروا الله علی ما هداکم).

در هر حال، دلالت این روایت مشکلی ندارد و نبیذ، خمر است و سایر مسکرات هم اگر - بنا بر معنای اول - با ترک شدن مرغوبتر شود، خمر شمرده می‌شود. در سندش معاویه بن حکیم است که نجاشی درباره‌اش آورده است: « ثقة جلیل » و ابو مالک حضرمی هم هر چند توثیق ندارد؛ ولی ثابت شده است که او مروی عنه ابن ابی عمیر است که جزء سه نفری است که شیخ طوسی - رحمه الله - در باره آن‌ها آورده است که « لایروون و لا یرسلون الا عن ثقة » و در روضه کافی [7] روایتی نقل شده که در آن ابن ابی عمیر از او نقل کرده است و ابوالجارود را هم شیخ مفید [8] - رحمه الله - توثیق فرموده است. پس همه افراد سند غیر از سهل مشکلی ندارند و شهید صدر هم این را قبول دارد. فقط مشکل در سهل بن زیاد است که هم توثیق دارد و هم تضعیف که در این صورت توثیق و تضعیف تعارض می‌کنند و در نتیجه حال او برای ما مجهول است.

این روایت دو راه برای تصحیح دارد:

اول

این روایت در کافی است و همانطور که گفته شد احادیث آن حجتند.

دوم

گفته شده که سهل در اسناد کافی زیاد ذکر شده و از مشایخ اجازه بوده است و گرنه کلینی این احادیث را از کتب مسلم نقل فرموده است و نیازی به واسطه نداشته است؛ ولی برای اینکه سند از ارسال خارج شود و خودش در سلسله روات قرار گیرد و حدیث مسند باشد، نام آنها را ذکر کرده است که با وجود این حدیث در کافی اطمینان به صدور پیدا می‌شود و اشخاصی که در ابتدای سند هستند مشایخ اجازه او هستند. مثلاً مرحوم امام خمینی - رحمه الله - در کتاب چهل حدیث سند خود تا امام صادق - علیه السلام - را ذکر نموده است و مجهول بودن بعضی از افراد این سند ضرری به آن نمی‌زند؛ چون می‌دانیم آن حدیث در کافی است و مسلماً کافی از کلینی و این نسخه هم متواتر است. وزان کتاب‌هایی که کلینی از آن‌ها نقل کرده مثل کتب اربعه در زمان ماست که وجود روایت در این کتب برای ما اطمینان به صدور آن حاصل می‌آورد.

اشکال

این سخن فی الجمله درست است و بسیاری از منابعی که کلینی از آنها نقل کرده این‌گونه بوده است؛ ولی در هر موردی این مطلب را نمی‌توان گفت و جزم به شیخ اجازه بودن شخص پیدا کرد؛ چون ممکن است بعضی از روایات از کتب این افراد نبوده، از محفوظات این اشخاص باشد. شاهد این گفتار اینست که شیخ طوسی در فهرست افرادی را ذکر می‌کند و درباره آنها می‌گوید: « أخبرنا بجمع کتبه و روایاته ». پس روایاتی را هم نقل کرده‌اند که از غیر کتب و سینه به سینه بوده است. این بیان درباره این روایت و سهل بن زیاد هم ممکن است.

کثرت نقل کلینی از سهل بن زیاد نشان دهنده اعتماد او به سهل است به خصوص در کتابی که طبق گفته کلینی این کتاب حجت بین او و خدا بوده و شهادت داده که همه روایاتش صحیح است.

اشکال

ممکن است بگوییم این مطلب دلالت بر این دارد که نزد کلینی وثاقتش ثابت است؛ ولی علمای بزرگی مثل شیخ طوسی و نجاشی هم او را تضعیف کرده‌اند. پس تعارض بین دو شهادت می‌شود و نزد ما مجهول است. و فقط راه اول یعنی نقل در کافی آن را تصحیح می‌کند.

اشکال اول دلالتی

این روایت همه مدعا که شامل همه مسکرات است را ثابت نمی‌کند، چون فرموده است: اگر با ترک کردن مرغوبتر شود که قطعاً همه مسکرات را شامل نمی‌شود.

اشکال دوم دلالتی: اشکال مجازیت

ممکن است در تعبیر به «فهو خمر» مسامحه باشد به این بیان که خمر یک حالت سمبولیک یافته است و عرفاً هر چیزی را که بخواهند به خبثت توصیف کنند، آن را به خمر تشبیه می‌کنند. به عنوان مثال برای انسان خبیث به «شمر» تشبیه می‌کنند و همه آثار را قصد نمی‌کنند و در تشبیه معکوس آن درباره افراد مؤمن می‌گویند: «او روحانی است» که اراده نمی‌کنند همه آثار طَلَّاب بر او بار شود؛ بلکه تشبیه در یک جهت صادق است. در روایات هم که طبق مکالمات عرفی است مثلاً آمده است که «الطواف صلوة» که فقط از جهت اشتراط طهارت مورد نظر است و قاعده در این تعبیرات این است که بر اظهر آثار حمل می‌شود مگر اینکه قرینه‌ای بر اراده همه آثار وجود داشته باشد یا از مواردی باشد که آثار از جهت برازندگی و اظهاریت مساوی باشند و یا خصوصیتی در کلام باشد مثل اینکه امام علیه السلام کلام را برای اثری ذکر کرده‌اند که اثرش مبهم است و در نتیجه از آن اطلاق فهمیده شود.

در محل بحث ما هم طبق بیان بزرگانی مثل محقق خوئی و شهید صدر، حالت مشهور و واضح خمر یعنی حرمت شرب که در قرآن هم ذکر شده است، مورد نظر امام علیه السلام بوده است نه همه آثار مثل نجاست و بنا بر این نمی‌توان به این روایت برای مطهریت انقلاب استناد کرد.

وصلی الله علی محمد و آل محمد.

[1] وسائل الشیعة؛ ج 25، ص: 326

[2] البته معدودی از این قرائن به مارسیده است که در کتابخانه آیت الله مرعشی قم و

کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه نجف اشرف نگهداری می‌شود. مثلاً در یکی از آنها مرحوم صاحب معالم فرموده است: « کتاب تهذیب به خط خود شیخ طوسی در دست من است ».

[3] یکی از فضلا در تتبعی که انجام داده، بیان کرده است که این شهادت را درباره 18 نفر از راویان آمده است.

[4] این بیان مثل مطلبی است که صاحب جواهر و حاجی نوری درباره اصحاب اجماع آورده‌اند که اگر در سند تا اصحاب اجماع ثقه باشند از آنها به بعد نیاز به بررسی سند نیست؛ چون اصحاب شهادت به « تصحیح مایصح عنهم » داده‌اند و البته این سخن در آن مقام پذیرفته نشده است به علت این‌که این عبارت به معنای مذکور نیست؛ ولی اگر به آن معنا بود، در آن‌جا نیز این سخن را می‌پذیرفتیم.

[5] وسائل الشیعة؛ ج 25، ص: 343.

[6] قوله عليه السلام: " ما زاد على الترك " قيل: " ما " نافية، أي ما زاد ترك أحدهما على ترك الآخر من حيث الجودة، و الحاصل أن أحد التركین لم يترجح على الآخر، فعلى هذا التنبیذ أيضا خمر، و الظاهر أن يكون " ما " موصولة، و يكون " على " كما فی قوله تعالى " وَ لِيُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ " أي الذي زاد جودة بسبب الترك فهو فی حکم الخمر لأنه إذا صار نبیذا مسکرا کما ترک یزید جودة و إسکارا. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول؛ ج 22، ص: 271.

[7] ج 8 ، ص 108.

[8] شاید سبق لسان برای استاد اتفاق افتاده باشد که شیخ طوسی مورد نظر ایشان بوده است؛ ولی در کتب شیخ طوسی توثیقی برای سهل نیافتم.

[9] این وجه از بزرگانی مثل آیت الله شبیری زنجانی است.